

# فرهنگ زندگی کوثری و تکاثری

قسمت اول

مجله علمی-پژوهشی «مدرسه علمیه امام رضا علیه السلام»

قرآن پژوهی و استاد راهنمای سطوح حوزه علمیه اصفهان

## چکیده:

خلقیات و روحيات صاحبان این فرهنگ و زندگی بهره مند شده و آثار مطلوب آن را از این دنیا به سرای آخرت می برند و همچنین کسانی که از فرهنگ و زندگی تکاثری پیروی و دنباله روی می کنند، اخلاق و روحيات متکاتران مستکبر را دارند که قرآن کریم مصادیقی از آنها را با عناوینی همچون نمروذ، فرعون، قارون، ابرهه، ابو جهل، ابولهب ذکر نموده است. آنچه در این قسمت به آن پرداخته ام سیمای فرهنگ و زندگی تکاثری است.

## کلید واژه:

تکاثر، ریشه‌های تکاثر طلبی، عوارض و ضایعات تکاثر طلبی.

## تکاثر:

تکاثر به معنای مال اندوزی و گنج سازی و فزون طلبی است. راغب اصفهانی در مفردات آورده است که تکاثر به معنی همچشمی کردن و مسابقه گذاشتن در فزونی مال و عزت های مجازی و نازیدن به فزونی و تفاخر به زیادی

موضوعی که در این مقاله و چهار قسمت متوالی به منظر شما خوانندگان محترم تقدیم می گردد یکی از موضوعات مبتلا به فردی، اجتماعی، اقتصادی و تربیتی است. قرآن کریم دو نوع فرهنگ و زندگی را پیش روی مخاطبان خود ترسیم نموده است. یکی فرهنگ و زندگی تکاثری و دیگری فرهنگ و زندگی کوثری است. سر فصل این دو نوع فرهنگ و زندگی اگر چه از سوره های تکاثر (یکصد دو مین سوره قرآن در جزء سی) و سوره کوثر (یکصد و هشتمین سوره قرآن) نشأت گرفته و لیکن به نوبه خود حجم وسیعی از آیات وحیانی و روایات معصومین (علیهم السلام) را به خود اختصاص داده است. قرآن و روایات، فرهنگ و زندگی کوثری را فرهنگ و حیات طیبه ی محمد و آل محمد (ص) قلمداد نموده است و فرهنگ و زندگی تکاثری را فرهنگ و زندگی شیاطین انسی و جنی و مستکبران و منافقان در طول تاریخ به حساب آورده است. کسانی که از فرهنگ و زندگی کوثری تبعیت می کنند از

علاقه‌مندی به تجملات و زیب و زیورهای دنیوی و سپس بیداری حس ویرانگر تفاخر و فخرفروشی بر دیگران، و در نهایت میل و رغبت مفرط به تکاثر و افزون طلبی در مال و افتخار به داشتن فرزندان بی‌شمار.

ملا صدرا شیرازی در تفسیر شریف<sup>۳</sup> خود بر این باور است که این پنج ویژگی، نه از جهت مجاز و یا تشبیه است که به دنیا نسبت داده شده، بلکه حقیقت دنیا و پایه و اساس آن، چیزی جز این صفات نیست که به فرموده قرآن سرابی است که از تشنه رفع عطش نمی‌کند (نور، ۳۹) و ظلمتی است که روشنایی به خود نمی‌بیند و دریای موج و عمیقی است که خواهان خود را در کام خویش فرو می‌برد (نور، ۴۰)

هر چند «متعلق تکاثر» در سوره حدید، مال و فرزند معرفی شده، اما در سوره تکاثر نامی از آن به میان نیامده است. برخی از مفسران اظهار داشته‌اند که عدم ذکر متعلق تکاثر، در بیان مذمت و نکوهش این عمل رساتر و کارآمدتر است؛ چرا که ذهن آدمی به قصد یافتن متعلق تکاثر به کاوش و بررسی خواهد پرداخت و آن را به موردی خاص محدود نخواهد کرد.<sup>۴</sup> از این روست که صاحب تفسیر روح البیان، متعلق تکاثر را تمام اموری معرفی می‌کند که به نحوی سبب غفلت آدمیان از سرچشمه هستی و دوری ایشان از ذات لایزال الهی می‌شود.<sup>۵</sup>

اما در خصوص شأن نزول دو آیه نخست از سوره تکاثر، نظرات گوناگونی مطرح شده‌اند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

«الهاکم التکاثر\* حتی زرتم المقابر»:

افزون خواهی شما را به خود مشغول داشت تا آن که قبرها را زیارت نمودید.

مشهور آن است که این دو آیه در شأن دو قبیله از قبایل قریش (بنی عبد مناف و بنی سهم) نازل شد. آن زمان که قصد نمودند، برای غلبه

مال، اولاد و جاه است. طبرسی (ره) در مجمع البیان آورده است که تکاثر به معنی افزون طلبی و مباحثات کردن به زیادی مال، اولاد و فامیل است و همچنین آمده است که تکاثر به دست آوردن مال فراوان از سر حرص و آز و اتراف و غرق در ناز و نعمت شدن است. تکاثر کلید واژه ای است که در آیات یک سوره (تکاثر / ۱۰۲) و بیست (حدید / ۵۷) به کار رفته است. تکاثر از ریشه کثره، ثلاثی مزید و از باب تفاعل است که اساس آن را نوعی حس غلبه جویی بر دیگران و برتری طلبی و زیاده خواهی تشکیل می‌دهد و تکاثر طلبی غده سرطانی چرکینی است که هر اجتماعی را به انحطاط و نابودی می‌کشاند. قرآن کریم عوامل تکاثر طلبی را مادی گرایی، شهوت پرستی، حیوان صفتی، جهل و نادانی و روحیه حرص، طمع و آز مندی انسان ها دانسته است.

■ خدای سبحان در سوره حدید و در وصف دنیای ناپایدار چنین می‌فرماید:

«اعلموا انما الحياه الدنيا لعب و لهو و زينه و تفاخر بينکم و تکاثر فی الاموال و الاولاد...»

(حدید، ۲۰):

بدانید که زندگانی دنیا بازی و بیهودگی و تجمل‌گرایی و فخرکردن به یکدیگر و افزون طلبی در مال‌ها و فرزندان است...

امام محمد غزالی در «احیاء علوم الدین»<sup>۱</sup> و محمد مهدی نراقی در «جامع السعادات»<sup>۲</sup> پیرامون آیه ی مذکور به نکته‌ای ظریف اشاره کرده‌اند. ایشان بر این باورند که پنج ویژگی لعب، لهو، زینة، تفاخر و تکاثر تمام تمایلات و خواهش‌های نفسانی انسان‌ها را در برمی‌گیرند و عمر ناپایدار آدمی، بستری است مناسب برای بروز این هوس‌ها و تمایلات!

خلاصه این اوصاف عبارت است از بازیچه دنیا بودن و سرگرم گشتن به بازی‌ها کودکانه، بیهودگی و عدم توفیق در دستیابی به حقایق،

و طمع آدمیان است، تا با آزمندی هر چه بیش‌تر زیردستان را استثمار کنند و زمینه دستیابی به منافع خویش را فراهم سازند.<sup>۱۱</sup>

جهل و نادانی نسبت به پاداش‌ها و کیفرهای الهی و عدم ایمان به رستاخیز و نیز ناآگاهی نسبت به ضعف‌ها و ناتوانی‌های فردی، از دیگر عوامل بروز چنین حسی برشمرده شده است.<sup>۱۲</sup> در رویکردی عرفانی، افزون‌طلبی به عنوان مانعی بزرگ در مسیرتحصیل کمالات و سعادت نفسانی مطرح شده است.<sup>۱۳</sup> کثرت طلبان و زیاده‌خواهان با مال‌اندوزی و انباشته کردن ثروت، از حیثه عبودیت پروردگار خارج شده و عملاً بندگی مال خویش را پذیرفته‌اند. ایشان به واقع حمال اموال خود و بنده بی‌چون و چرای محمول خویشند<sup>۱۴</sup> و به تصریح روایات، حسابشان نزد پروردگار به مراتب دشوارتر و موشکافانه‌تر خواهد بود.<sup>۱۵</sup>

#### ■ افزون طلبان از منظر روایات:

رسول اعظم (ص) در توصیف متکاثران و مترفان فرموده‌اند:

«ما أخشى عليكم الفقر و لكنی  
أخشى عليكم التكاثر»<sup>۱۶</sup>

مفاد حدیث دلالت بر آن دارد که آن بزرگوار از فقر و مستمندی امت، بلکه از تکاثر و افزون طلبی ایشان نگران و در هراس بوده است. به تصریح بسیاری از روایات، جز اندکی از انسان‌ها، همه گرفتار تکاثر طلبی و افزون جویی و برتری یافتن بر هموعان خویشند.<sup>۱۷</sup> دنیای ایشان تباه و انواع عذاب‌های دنیوی و اخروی بر ایشان مهیا شده است.<sup>۱۸</sup> رسول الله(ص) فرموده‌اند:

(ان كان یسعی تفاخراً و تکاثراً، فهو فی سبیل شیطان)

بر خصم، نفرات خویش را بشمارند تا آشکار شود کدام یک افزون‌ترند. به پیشنهاد گروه شکست خورده، هر دو طایفه به قبرستان رفتند تا این بار مردگان خود را به شماره درآورند؛ چرا که گروه مغلوب معتقد بود، در جاهلیت به علت فسق و فجور و شرکت در جنگ‌های گوناگون، نفرات بیش‌تری از ایشان کشته شده‌اند! با این شمارش، شکست خوردگان پیشین به ظفریافتگانی مبدل شدند که افزونی مردگان خویش را عاملی اساسی برای مباهات و فخرفروشی خویش عنوان کرده بودند.<sup>۶</sup>

کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام در «نهج البلاغه» نیز مؤید این سخن است:

«اقبمصارع آباء هم یفخرون ام  
بعید الهلکی یتکاثرون... و لان  
یکونوا عبدا حق من ان یکونوا  
مفتخرا»<sup>۷</sup>

شوکانی نیز در فتح‌القدیر همین شأن نزول را نقل کرده است، اما وی بیان می‌دارد که این دو طایفه نه از قبایل قریش، بلکه دو فرقه از فرقه یهودیان بوده‌اند که این‌گونه گوی سبقت را در میدان تاخت و تاز تکاثر طلبی از یکدیگر ربوده‌اند.<sup>۸</sup> برخی نیز اظهار داشته‌اند که این سوره ویژه تاجران نازل شده است که نگاهشان به اشیای پیرامون خود، نگاهی صرفاً مادی و منفعت‌جویانه است.<sup>۹</sup>

#### ■ ریشه‌های بروز حس افزون طلبی:

علل زیادی در ایجاد این حس مؤثرند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: وجود قوه شهوانی و تمایل و گرایش به حیوان صفتی، ریشه و منشأ اصلی آشکار شدن این حس در آدمیان عنوان شده است که ارتباط ایشان را با ماورای عالم ماده قطع و توجه آن‌ها را به دنیا افزون می‌سازد.<sup>۱۰</sup>

از دیگر عوامل بیدار شدن این حس، حرص

متکابران از حیثه عبودیت خداوند خارج و عملاً بندگی شیطان را پذیرفته و در شمار اعوان و انصار او داخل شده‌اند.<sup>۱۹</sup> از رحمت پروردگار دور و خشم و غضب خداوندی ایشان را احاطه کرده است.<sup>۲۰</sup>

از آنجا که افزون طلبان در اندیشه فلج و در انتخاب راه به بیراهه تاخته‌اند، طعم شیرین مناجات با پروردگار خویش را نخواهند چشید<sup>۲۱</sup> و از درک و فهم معارف الهی محرومند و بوی بد عالم طبیعت و غرق گشتن در معاصی و منکرات سراسر وجودشان را فرا گرفته است که امیرمؤمنان پیشایش پیروانش را این چنین از آن برحذر داشته است:

«تعطروا بالاستغفار لا تفضحنکم  
روائح الذنوب»:<sup>۲۲</sup>

خویش را با استغفار معطر سازید تا بوی بد گناه شما را رسوا نکند.

در حدیثی معصوم علیه السلام، زیاده‌خواهان را در شمار احمق‌ترین و نابخردترین انسان‌ها به شمار آورده است:<sup>۲۳</sup> از این رو که علاقه مفرط و بی‌چون و چرا به مال و زراندوزی، عقل‌هایشان را فاسد و پرده‌های غفلت را برچشمانشان افکنده است. با بررسی روحیات و عملکرد این فرقه، این نتیجه تلخ به دست خواهد آمد که عواطف مذهبی و پایبندی به اوامر و نواهی الهی، نزد ایشان تا پایین‌ترین حد ممکن تنزل یافته است.<sup>۲۴</sup>

■ افزون طلبی و ضایعات اجتماعی و اقتصادی آن:

تکاثر طلبی نه یک درد فردی، بلکه همان‌گونه که ابتدا نیز اشاره شد، پدیده‌ای شوم و اجتماعی است که در صورت عدم کنترل، همچون غده‌ای سرطانی در پیکره اجتماع ریشه دوانده و جوامع انسانی را گام به گام به انحطاط و نابودی می‌کشد. علامه طباطبایی در تفسیر گرانقدر خویش به نکته‌ای بس شگرف

اشاره کرده‌اند. ایشان بر این اعتقادند که ریشه بزرگ‌ترین جنگ‌های خانمانسوز که بشر تا به حال به خود دیده است، چیزی جز به دست آوردن جاه و مقام و نشستن بر آریکه قدرت و اشباع حس منفعت طلبی و برتری جویی انسان‌ها نبوده است. این تفکر مسموم، در سطح کلان، انسانیت را تهدید و دنیا را به ویرانه‌ای مبدل ساخته است.<sup>۲۵</sup>

یکی دیگر از آثار ویرانگر بروز حس تکاثر طلبی، ایجاد اختلافات شدید طبقاتی میان اقشار مختلف جامعه است<sup>۲۶</sup> که تعادل و موازنه ثروت را در جامعه برهم می‌زند و نظامی را که فطرت الهی به آن فرا می‌خواند، مختل می‌سازد<sup>۲۷</sup> و به دنبال آن عده‌ای اندک را مسلط بر ثروت‌های جامعه و گروهی بسیار رابی نصیب از آن می‌کند. از این روست که خداوند مردم را به گردش ثروت در میان خود تشویق می‌کند تا از تجمع آن در دست عده‌ای قلیل جلوگیری شود (حشر، ۷)

توجه به حال مستمندان، رواج سنت حسنه انفاق و پایبندی به احکامی چون خمس و زکات و حرمت ربا، از جمله عواملی هستند که می‌توانند از بروز این حس نامبارک در انسان جلوگیری کنند. قرآن کریم در آیاتی چند، ثروتمندان و مترفانی را که فقط به فکر زراندوزی هستند و حقوق دیگران را در نظر نمی‌گیرند، نکوهش و تهدید و رفتار ظالمانه آنان را گوشزد می‌کند. این نکوهش‌ها و تهدیدها در آیات زیادی از قرآن کریم همچون آل عمران، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۹۶ و ۱۹۷؛ نساء، ۳۹-۳۷؛ اسراء، ۱۶، ۲۶ و ۲۷؛ زخرف، ۲۵-۲۳؛ حدید، ۱۰، ۲۳ و ۲۴؛ فجر، ۲۰-۱۷؛ بلد، ۱۶-۱۴؛ ماعون، ۳-۱ مطرح شده است.

■ زندگی تکاثری و ردایل اخلاقی:

زندگی تکاثری بر روی خلق، روحیات و

اندیشه های انسان اثر گذاشته و موجب می گردد انسان از حالت انسانی خارج و به ردائل شیطانی و حیوانی گرفتار آید. امام علی بن الحسین (علیه السلام) فرموده اند: شیطان با وسوسه مداوم، جمع کردن مال را در جان انسان می دمد<sup>۲۸</sup>. در ثروت اندوزی دنیا آرامش و آسایش وجود ندارد لیکن شیطان در آدمی چنین وسوسه می کند که جمع مال باعث راحتی و آسایش است و او را به رنج فزون طلبی و پاسخگوئی به حساب و کتاب در دنیا و آخرت مبتلا می سازد. شیطان انسان را از انفاقات، صدقات، خیرات، امور وقفی و پرداخت خمس و زکات ظاهری و باطنی منع نموده و انسان را به جمع کردن، گنج ساختن، ذخیره نمودن، احتکار و محروم نمودن دیگران دعوت می نماید. تثبیت چنین روحیه ای در انسان سبب پیدایش ردائل اخلاقی همچون بخل، حرص و ولع، قطع رحم، غصب حقوق ضعفا و محرومان، سرقت اموال فقیران، طغیان و سرکشی، تکبر و غرور و برتری طلبی، کم فروشی، گران فروشی، انحصار طلبی، احتکار، خود پسندی، شهرت طلبی، شهوت پرستی و شاد خواری مترفانه می گردد. در روایات وارده از حضرات معصومین (علیهم السلام) آثار اخلاقی و روایی دیگری را نیز برای بیماری تکاثر بر شمرده اند که از آن جمله فروریختن شخصیت انسانی، تباه شدن عقل، سنگدلی و کور دلی، پوشیده ماندن عیوب و فساد عمومی متکاثران در سطح جامعه انسانی است.

الکتب و اسباب النزول، علی بن احمد واحدی دارالحدیث، قاهره، ص ۴۰۰. کشف الاسرار، رشیدالدین میبیدی، انتشارات امیر کبیره، تهران، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۵۹۷.

۷. صحیحی صالح، تحقیق، نهج البلاغه، دارالاسره وابسته به سازمان اوقاف کلام ۲۲۱، ص ۴۵۸.

۸. شوکانی، محمدبن علی بن محمد، فتح القدر، دارالمعرفه، بیروت، لبنان، ج ۵، ص ۴۸۸.

۹. انصاری قرطبی، ابو عبدالله محمد الجامع لاحکام القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، ج ۲۰، ص ۹۱۵.

۱۰. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ج ۶، ص ۲۳۷.

۱۱. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، ج ۲۸، ص ۲۲۹.

۱۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۸۱.

۱۳. خوئی، میرزا حبیب الله، منهاج البراعه، مکتبه الاسلامیه، تهران، ج ۱۴، ص ۲۱۳.

۱۴. احمد طه علی، محمد، امال فی ضوء القرآن، ص ۲۹۷.

۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ج ۲۲، ص ۶۷.

۱۶. الفتی الهندی، علامه الدین علی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، ج ۳، ص ۱۹۶.

۱۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ج ۷۵، ص ۱۵۲.

۱۸. ابن الجوزی، سید محمد، بدائع التفسیر، سیری، ج ۵، ص ۳۰۹.

۱۹. صفائی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمن الاعظمی، ج ۵، ص ۳۷۳.

۲۰. غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۹۰.

۲۱. موسوی خمینی، روح الله، سرالصلاه، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۳۲.

۲۲. جوادی آملی، مراحل اخلاق در قرآن، ج ۱۱، ص ۲۰۲.

۲۳. امالی، ابو عبدالله محمد بن نعمان، ص ۱۸۴، تحقیق علی اکبر غفاری و حسین استاد ولی، جامعه مدرسین.

۲۴. مدنی شیرازی، سید علی خان حسینی، ریاض السالکین، مؤسسه النشر الاسلامی، قم.

۲۵. طباطبائی، محمد حسین، المعیزان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ج ۲، ص ۳۱۳.

۲۶. قانع عزآبادی، احمد علی، علل انحطاط تمدن ها، ص ۳۵۳.

۲۷. طباطبائی، محمدحسین، المعیزان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ج ۲، ص ۴۱۳.

۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۲۲، ص ۹۲ و ۹۳.

۱. غزالی، محمد، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۱۹۰.

۲. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، لبنان، ج ۲، ص ۲۴.

۳. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار، ج ۶، ص ۲۳۶.

۴. فخررازی، التفسیر الکبیر، چاپ سوم، ج ۲۲، ص ۷۷.

۵. حقی بروسوی، اسماعیل، تفسیر روح البیان، دارالفکر، ج ۱۰، ص ۵۰۲.

۶. بغدادی، محمد بن حبیب، المنعم فی اخبار قریش، تحقیق احمد فاروق، ص ۱۱۱، عالم



شپوهنځي ښوونځي ښوونځي  
پرتال جامع علوم انساني